



اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.
منصور حکمت

www.m-hekmat.com

دوره دوم
۴۶

جمعه، ۹ مرداد ۱۳۸۳

۳۰ ژوئیه ۲۰۰۴

هر سه شنبه و جمعه منتشر میشود

انترناسیونال

سردبیر: فاتح بهرامی

anternasional@yahoo.com

Fax: 001-519 461 3416

در حاشیه رویدادها

شهلا دانشفر

صفحه ۴

* دور انداختن حجاب در اعتراض به تذکر ماموران رژیم

* معلمان هر یکشنبه تحصن خواهند داشت

اخباری از اعتراضات
کارگران و مردم زحمتکش
صفحه ۴

حکم اعدام افسانه نوروژی لغو شد!

صفحه ۳



برای پایان تراژدی در عراق باید بسیج شد

کاظم نیکخواه

آمریکا و بریتانیا و معدود شرکایشان کمی از جلوی صحنه کنار کشیده شوند. کولین پاول وزیر امور خارجه آمریکا که روز گذشته به عربستان سفر کرده بود و با ایاد علاوی نخست وزیر دولت موقت عراق نیز دیدار و مذاکره کرده بود، پیشنهادهای مشابه را از سوی عربستان مورد استقبال قرار داد و آنرا جالب توصیف کرد. این بدین معناست که دولتهای ارتجاعی منطقه با بن بست سیاست آمریکا در عراق امکان می یابند و تلاش میکنند که مستقیم تر مصالح خود را در عراق دنبال کنند. اتخاذ چنین سیاستی نیز بهیچوجه کشاکشهای خونین در عراق را محدود نخواهد

صفحه ۳

دست ساز که ترکیب آنها افرادی "عراقی الاصل" تشکیل میدهند، دستجات تروریستی به ناچار از تهاجمات خود دست بردارند یا عملیات و اقدامات آنها با مشکلات و محدودیتهای بیشتری مواجه شود. اما همه چیز حکایت از آن دارد که موج ترور و کشتار در عراق همچنان ادامه دارد و این کشور به صحنه تاخت و تاز کثیف ترین نیروهای تروریستی اسلامی و غیر اسلامی تبدیل شده است. حکومت آمریکا در یک اقدام دیگر دست به تلاشی تازه زده است تا کشورهای اسلامی نظیر عربستان و مصر و اردن و امثال اینها را ترغیب کند که نیروهای نظامی خود را برای حفظ صلح به عراق گسیل کنند و نیروهای نظامی

روز چهارشنبه ۲۸ ژوئیه در انفجاری در مرکز شهر یعقوبه واقع در ۶۵ کیلومتری بغداد حدود هفتاد نفر کشته شدند و دهها تن دیگر زخمی شدند. گفته میشود که حال بسیاری از زخمیان نیز وخیم است و تلفات از این نیز میتواند بیشتر باشد. در همین روز چندین انفجار دیگر نیز در بغداد روی داد و بنا به برخی گزارشهای مجموعاً طی یک روز بیش از ۱۲۰ تن کشته شدند. بیشتر کشته شدگان را مردم عادی و از جمله سرنشینان یک مینی بوس در حال عبور تشکیل میدادند. این بزرگترین تلفات اقدامات تروریستی طی یک روز در ماههای اخیر است. سیاستگزاران حکومت آمریکا امیدوار بودند که با جلوی صحنه قرار دادن دولتی

تک و تا نیانداختند و گاه گاه اطلاعیه ای صادر میکنند. اما هر کسی که دو روز با سیاست ایران سر و کله زده باشد میداند که هدفی که این خط دنیال میکرد در نطفه شکست خورد. چرا که امید خود را به قول فرخ نگهدار به "جریانات مهم جمهوریخواهی داخل کشور مانند" حزب مشارکت و مجاهدین انقلاب اسلامی "گره زده بود. در واقع اینها قرار بود شعبه جدید دو خرداد در خارج باشند. با تغییر ترکیب مجلس هفتم رژیم و پایان دو خرداد و سیاستهای اخیر "جریانات مهم جمهوریخواهی داخل کشور" و مانور در چهارچوب راست حکومت، این خط امیدهایش برای بازی گرفته شدن تا اطلاع ثانوی به یاس کامل تبدیل شده است. جناح نشست برلین در دوره دیپرسیون سیاسی بسر میرود.

در نشست برلین فعالین جناح چپ جمهوریخواهان هم حضور داشتند. اینها در مقابل روش مبارزه مسالمت آمیز، و عبارتی دیگر با حشر و نشر جناح فرخ نگهدار و شرکا با رژیم اسلامی، شهادت بخرچ داده بودند که بگویند خواهان "برکناری مسالمت آمیز رژیم از طریق یک رفتارندوم" هستند! اما در یک رای گیری دموکراتیک به طرفداران اتحاد با اسلاميون داخل و تداوم همکاری با حکومت اسلامی باختند. امروز نشست پارسی ها، که آروز با



اوانل ژانویه ۲۰۰۴ در برلین بخشی از جمهوریخواهان جمع شدند و "اتحاد جمهوری خواهان ایران" را تشکیل دادند. اوانل سپتامبر ۲۰۰۴ "جمهوریخواهان دمکرات و لائیک" در پاریس نشست اول خود را برگزار میکنند. اینها هر دو، علیرغم اختلاف و اشتراك در مواضع سیاسی، به یک جنبش واحد تعلق دارند: جنبش ملی اسلامی. در نشست برلین جناح راست این خط برنده شد و در نشست پاریس جناح "چپ" آن قرار است به خود شکل دهد. عناصر و اکتیویست های هر دو جریان بقایای سازمانهای چپ سنتی ایران، هواداران سرخورده "اصلاحات و جامعه مدنی" و بعضاً هنوز امیدوار، ناسیونالیستهای مصدق سلطنت طلب و ضد سلطنت، بخشهایی از سازمان اکثریت و اتحاد فدائیان، بقایای حزب توده و چپهایی هستند که بعد از فروپاشی دیوار برلین دمکراسی نظم نوینی را شاهراه جهان بسوی "خوشبختی" فرض میکنند و پشت آن بخت شدند. جمهوریخواهان برلینی علیرغم اینکه دنیا نیامده شکست خوردند اما هنوز خود را از

صفحه ۲

از اعتراضات پرستاران حمایت کنید

صفحه ۳

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱

از برلین تا پاریس ...

انتقاداتی آبیکی به برلینی ها نظاره گر بودند، بعد از داستان مجلس هفتم و شکست "اصلاحات" فکر میکنند میتوانند همان اهداف و همان خلا را در صحنه اپوزیسیون ایران پر کنند. اینها میخواهند به يك خط راست بینابینی در مقابل با ناسیونالیسم محافظه کار سلطنت طلب از یکسو و کمونیسم کارگری از سوی دیگر شکل دهند.

اشتراک و اختلاف

هر دو جناح جمهوریخواهان میگویند اعلامیه حقوق بشر و حقوق مندرج در آن را میخواهند، حکومت مورد نظرشان پارلمانی است و به مردمسالاری تاکید میکنند. نوعی مبهم گوئی و تصویر اقتصاد توسعه را مقابل مردم میگذارند. از حقوق زن بر اساس کنوانسیونهای بین المللی سخن میگویند. هر دو يك پیشینه تاریخی - جنبشی دارند و بخشهای متفرقه يك جنبش واحدند. هر دو تاریخا و در نقطه عطفهای سیاسی ایران کنار جناحهای رژیم اسلامی ایستاده اند و یا تحولات درون حاکمیت را با دیده مثبت نگریند. هر دو شاخه این جنبش در عین حال تاریخا قادر نبودند به يك سنت سیاسی - سازمانی جا افتاده بعنوان تحزب بخشی از جنبش بورژوازی ایران شکل دهند. مهمتر اینکه این خط هیچوقت در تاریخ ایران نماینده مطلوب حاکمیت سرمایه داری نبوده است. در عین حال هر دو از انقلاب و حضور مستقل کارگر و کمونیسم وحشت دارند و در دوره های بحرانی و تاریخا نقش ضربه گیر حاکمیت و قدرت بورژوازی را ایفا کرده اند.

يك اختلاف بخشهای مختلف جمهوریخواهی در مورد نزدیکی یا عدم نزدیکی با سلطنت طلبان است، اتحاد و ائتلاف و در مواردی مرزبندی ایدئولوژیک و آرمانی. در باره مسئله ملی بسته به درجه غلظت ایران پرستی و تعصب "تمامیت ارضی" برخوردارشان متفاوت است. پارسی ها خودمختاری و فدرالیست اند و برلینی ها موضعشان به سلطنت طلبان نزدیک تر است. و بالاخره خط مشی سیاسی شان در برخورد به

فتوکپی نسخه ای است که پیشتر شکست خورده است. در ایندوره توصیه "مسالمت مسالمت" کردن و شعار "رفراندم و مجلس موسسان" دادن فقط غیر جدی بودن این خط را بیان میکند. خاتمی و حجابیان و دیگران که اهرمهای قدرت را نیز در اختیار داشتند، نتوانستند تغییر از درون را بطرق قانونی و مسالمت آمیز عملی کنند و مردم از آنها عبور کردند. بنابراین معلوم نیست چرا باید جامعه و جنبش آزادیخواهی مردم ایران سر سوزنی این استراتژی سیاسی جمهورخواهان لائیک را جدی بگیرد؟ این غیر جدی بودن سیاسی خود را در شمایل تشکیلاتی نیز نشان میدهد. افراد جمهوریخواه با هم جمع میشوند و نه احزاب و یا فراکسیونهایی از سازمانهای جمهوریخواه و ناسیونالیست. بورژوازی ایران بطور کلی و تاریخا فاقد سنتهای پایدار حزبی است و از نقطه نظر سنت حزبی دچار فقر مفرط است. مشکل این طیف اینست که سنت سیاسی شان قادر نشده به حزبی قوی با ساختار برنامه روشن که جامعه آنرا بعنوان يك جریان قابل اعتنا بشناسد شکل دهد. بویژه در شرایط سیاسی امروز بدون يك تشکیلات منسجم و گسترده، صحبت کردن از تلاش سیاسی برای هر درجه تغییر، شوخی است و نتیجه آن از پیش معلوم است.

برنامه اقتصادی

مهمتر اینست که این خط فاقد يك الگو و مدل اقتصادی تعریف شده است. علیرغم اینکه همه جمهوریخواهان از راست آخوند دوست تا چپ و لائیک در باره توسعه پایدار، ایجاد امنیت اجتماعی و فرصتهای برابر برای دسترسی همگان به مسکن و بهداشت، آموزش و فرهنگ و امکانات رفاهی سخن میگویند، اما در قلمرو اقتصاد تاجرپرست هستند. ناچار هستند باشند. چطور میشود سرمایه داری ایران و امثال ایران را با آن تکنولوژی عقب مانده به سود دهی قابل رقابت در دنیای امروز رساند و عدالت اجتماعی را هم تضمین کرد؟ در ایران حقوق کارگر را دو سال دو سال بخاطر نداشتن سود کافی نمیدهند. رفاه که سهل است، مردم دارند از سو تغذیه تلف

میشوند. بهداشت و درمان هم بجای خود. با تمام اینها سرمایه داری ایران نمی چرخد و بحران اقتصادی گلوی رژیم اسلامی را میفشارد. در يك سرمایه داری تحت سلطه، در کشورهایی مانند ایران که سرمایه داری بر اساس استثمار نیروی کار ارزان طبقه کارگر و اختناق و سرکوب سیاسی میچرخد، هر اپسیلونی از ادعای آزادی و دمکراسی و برسمیت شناسی حق تشکل و رفاه همگانی توسط طبقه حاکمه، با خروش بلافاصله کارگر و خواست برابری اقتصادی و نفی وضع موجود روبرو میشود. این دیگر جزو ابتدائیات سرمایه داری در کشورهای مثل ایران است که سرمایه داری با دمکراسی و روینای سیاسی شبه لیبرال در تناقض است. نبود دمکراسی در ایران و ترکیه و پاکستان و فلیپین از سر بد جنسی احزاب بورژوازی و یا فقدان "فرهنگ دمکراتیک" نیست، الزام اقتصادی و سیاسی رشد انباشت سرمایه و از خصوصیات پایه ای سرمایه داری در این کشورهاست. در دمکراسی مورد نظر اینها اگر تشکیل سندیکا و شورا و تشکل کارگری آزاد باشد، با اولین موج اعتصابات کارگری یا حکومتشان سقط میشود و یا باید ژنرالها و سرهنگها را صدا کنند تا با کودتا زمام امور را بدست بگیرند و کارگران را سرجایشان نشانند. تز "سرمایه داری دمکراتیک و عدالتخواه" چرند است.

قوم پرستی و فدرالیسم

حکومت "سکولار و لائیک" مورد نظر جمهوریخواهان مبتنی بر "خودمختاری و فدرالیسم" است. از يك سو جامعه را به "اقلیتها" و "قومیت ها" تقسیم میکنند، قومیت را مبنای مناسبات سیاسی و اداری جامعه قرار میدهند، و از طرف دیگر برای جلب ناسیونالیستهای افراطی و برای تفاهم "اقلیتها" و "قومیتها" نسخه ارتجاع فدرالیسم قومی و اختیارات محلی عروج میکنند. این نسخه عراقیزه کردن ایران و مبنای جنگ داخلی و کشتارها و کشمکشهای قومی و مذهبی دامنه داری است که شروع آن در ایران به فاجعه ای ختم خواهد شد که فجاجع یوگسلاوی سابق در مقایسه با آن هیچ محسوب میشود. تمایل و چرخش به قوم

پرستی در میان اپوزیسیون ایران خطر جدیدی است که باید با آن قاطعانه مقابله کرد. این سیاستهای غیر مسئولانه میتوانند جامعه ایران را دستخوش بحرانهای عمیق کند و به تلاش مردم برای آزادی خون بپاشد. عده ای عقب مانده که قادر نیستند حقوق و آزادی و برابری مردم را مستقل از تعلقشان به مذهب و ملیت و قومیت تعریف کنند و فکر میکنند "گسترش دمکراسی" و عدم تمرکز و همزمان حفظ "تمامیت ارضی" از مجرای کرد و بلوچ و ترک و عرب و فارس کردن مردم میگذرد، تنها دارند بی مسئولیتی سیاسی و ناتوانی شان از حل معضلات سیاسی و اجتماعی جامعه ایران را بنمایش میگذارند. این يك جریان ارتجاعی است که با علم و کتل "دمکراسی" قومپرستی و جنگ داخلی را تبلیغ میکند.

آینده ای ندارند!

سناریوی جمهوریخواهان از پیش شکست خورده است. نه جامعه ایران همان جامعه بیست سال پیش است و نه صحنه های سیاسی همانند. اگر جنبش آزادیخواهان مردم ایران، طبقه کارگر و حزب کمونیستی اش در صحنه نبود، اگر جنبش برابری طلبانه زنان و جوانان نبود، اگر جنبش خلاصی فرهنگی و موج برگشت علیه مذهب نبود، این تمهیدات هم لازم نمیشد. خود جریان خاتمی و پروژه دو خرداد هم ضرورتی نمی یافت. فانتزی سیاسی اینها از محدوده اتاق کار و سالنهای کنفرانس شان خیلی بیشتر بیرون نخواهد رفت و با يك حرکت مستقل مردم عمارت ذهنی شان فرو میریزد. این محاسبات مثل همیشه با سد محکم واقعیات سیاسی ایران روبرو خواهد شد و توهامات اینها را دود میکند و به هوا میبرد. این خط به حکم واقعیات سیاسی و روندهای ایژکتیو جامعه ایران زمینه اجتماعی ندارد. مستقل از بی پایه بودن اتوبی يك حکومت سرمایه داری در ایران که به حقوق فردی و اجتماعی شهروندان پایبند است و از نظر سیاسی درجه ای آزادی و پولوریسم را تضمین میکند، این خط سیاسی مرده است و با تابلوی دمکراسی پارلمانی و سکولاریسم و

از اعتراضات پرستاران حمایت کنید

تجمع روز ۱۴ مرداد

بدنبال جواب نگرفتن خواستهای برحق پرستاران، پرستاران کشور خود را برای دور جدیدی از مبارزه آماده می کنند. قرار است که روز ۱۴ مرداد ماه پرستاران سراسر کشور در یک تجمع بزرگ شرکت کنند. پرستاران اعلام کرده اند که اگر در نتیجه این اجتماع اعتراضی خواستهای آنها پاسخ نگیرد، از پای نخواهند نشست و به اعتراضات مداوم تا تحقق مطالباتشان ادامه خواهند داد. محور مبارزه و اعتراض پرشور پرستاران مثل سایر بخشهای مردم، برخورداری از شرایط کار و زندگی بهتر است. چیزی که جمهوری اسلامی با آن دشمنی دارد. پرستاران خواهان افزایش دستمزدها و کاهش ساعت کار هستند. پرستاران می خواهند که شغل پرستاری جزو مشاغل سخت و زیان آور شناخته شود. پرستاران می گویند بجای بیکار سازی ها باید پرستاران بیشتری را استخدام کرد که تازه به سطح حداقل استاندارد دنیا که مطابق آن به ازای هر پزشک ۳ تا ۴ پرستار وجود دارد، برسیم. پرستاران می گویند ۲۰ میلیارد تومانی که کوچکترین حق آنها بوده چرا پرداخت نمی شود؟ پرستاران نسبت به بی توجهی مسئولین حکومتی به این خواستها و اعتراضات مکرر خود خشمگین هستند و تا زمانی که این بدیهی ترین خواستهایشان پاسخ نگیرد، حاضر نیستند که دست از سر جمهوری اسلامی بردارند. مطالبات پرستاران منعکس کننده خواستهای اساسی و اولیه مردم ایران در مبارزه علیه رژیم نکتت جمهوری اسلامی است. مبارزه و خواستهای پرستاران شایسته پرشورترین حمایت و همبستگی است. حزب ما یکبار دیگر ضمن حمایت قاطع خود از این اعتراضات، همه مردم را فرا می خواند که به دفاع از پرستاران برخیزند و چنان جلوه ای از اتحاد و همبستگی را از خود به نمایش بگذارند که رژیم مفتخوران چاره ای جز تسلیم در مقابل رای و خواست مردم نداشته باشد. *

حکم اعدام افسانه نروزی لغو شد!

جمهوری اسلامی در برابر اعتراض مردم به حکم اعدام افسانه نروزی وادار به عقب نشینی شد و حکم اعدام او را لغو کرد. در سال ۹۷ افسانه نروزی متهم شده بود که یکی از مسئولین حکومت اسلامی یعنی رئیس حفاظت منطقه کیش را به قتل رسانده است. افسانه دستگیر شد و اکنون هفت سال است در زندان بسر میبرد. اعتراضات بین المللی، فشار افکار عمومی و کمپین گسترده ای که توسط حزب کمونیست کارگری و نهادها و سازمانهای نزدیک به حزب برای لغو حکم اعدام و آزادی افسانه سازمان داده شده بود حکومت جنایتکار

و اعدام است. عقب نشینی جمهوری اسلامی فراخوانی به همه مردم آزادیخواه است برای گسترش مبارزه برای سرنگونی رژیم اسلامی، برای لغو حکم اعدام کبری رحمانپور و شهلا جاهد و برای مقابله با بساط اعدام و قصاص و احکام مجازات کثیف اسلامی.

جمهوری اسلامی باید سرنگون شود. این اولین قدم برای لغو مجازات اعدام و شکنجه و قوانین کثیف اسلامی و رهائی مردم است. حزب کمونیست کارگری مردم آزادیخواه و کلیه سازمانهای مدافع حقوق انسان را به گسترش مبارزه علیه جمهوری اسلامی و ادامه تلاش برای لغو حکم اعدام کبری رحمان پور و شهلا جاهد فرا میخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۸ ژوئیه ۲۰۰۴، ۹ مرداد ۱۳۸۳

از صفحه ۱ برای پایان تراژدی در عراق باید ...

اساسی و رادیکال علیه اسلام سیاسی از یک سو، و علیه سیاست نظم نوینی حکومت آمریکا گره خورده است. وضعیت دردناک زندگی مردم محروم عراق سندی گویا و تکان دهنده علیه قطبهای تروریستی و تجاوزگر و ضد بشری است که جهان را در ناامنی و جنگ و خون و فقر و تجاوز غرقه کرده اند. برای خلاصی مردم عراق و افغانستان و کل بشریت از این فاجعه و تراژدی ای که رودروی آنها قرار گرفته است، راهی جز مقابله ای قاطع و رادیکال و ریشه ای با اسلام سیاسی از یک سو و سیاست نظم نوینی طبقه حاکمه آمریکا نیست. هردوی این قطبها باید از جامعه بشری جaro شوند.

بشریت متمدن ناچار است در زیر پرچمی گرد آید که به کل ارتجاع اسلامی و مذهبی و قومی قاطعانه نه میگوید، چرچی که با قاطعیت از حقوق انسانی مردم، حق برخورداری از رفاه، و حق بی قید و شرط تصمیم گیری مردم در مورد سرنوشت خویش و آزادیهای سیاسی دفاع میکند. دفاع از زندگی انسانی مردم عراق دفاع از انسانیت در جهان امروز است. روند اوضاع هر روز بیشتر و بیشتر دفاع بی تحفیف از ارزشهای انسانی در برابر یک تازی قدرتها و جریانات بورژوا-امپریالیستی و ارتجاع از گور برخاسته مذهبی و اسلامی و

وضعیت مردم و جامعه عراق در شرایط کنونی را باید یک تراژدی توصیف کرد. این مردم قربانی جنگی بی انتها و خونین میان دستجات مختلف تروریست اسلامی، دستجات قومی و نژادی و ارتش آمریکا و متحدانش، و انواع باندها و دستجات تروریستی دیگر هستند. دستجات تروریستی ای که هرکدام از دولت و نیرویی ارتجاعی تر از خود تغذیه میشوند. این جامعه به محل تلاقی کشاکش و رقابتی جهانی میان کثیف ترین قدرتها و نیروهای متعدد ارتجاعی و ضد انسانی و تجاوزگر تبدیل شده است که پایانی نزدیک بر آن متصور نیست. این مردم دهها سال زیر تیغ دیکتاتوری بعث و صدام که ایضا از قدرتهای غربی حمایت و تغذیه میشد، به صلابه کشیده شدند. یک دهه با تحریم اقتصادی آمریکا و متحدانش به فقری جانکاه و کشنده محکوم شدند. و اینک در جامعه ای که شیرازه اش تماما از هم گسیخته شده، در کشاکشی خونین کشتار میشوند، در فقر و محرومیت و محنت اسیرند و راهی برای خلاصی میجویند. صدای این میلیونها مردم در بستر انفجار بمبها و رژه ارتشها و شلیک تفنگها و توپها و در فضای یک تازی جانی ترین نیروهای تاریخ بشر چندان به گوش نمیرسد. دفاع از مردم محروم عراق به مبارزه ای

ناسیونالیستی را الزامی و گریز ناپذیر میسازد. در گام نخست باید جنبش رادیکال دفاع از مردم عراق را در همه جا برپا داشت، جنبشی با شعار "نه به آمریکا نه به تروریسم اسلامی"، جنبشی علیه حکومت قومی و مذهبی، جنبشی با خواست امنیت، آزادی، حق زندگی، حق تصمیم گیری در مورد سرنوشت خویش برای مردم عراق. امروز هیچ امید جز اینکه مردم عراق در زیر پرچم رادیکال و آزادیخواهانه و سکولار گرد آیند و با قاطعیت به قطبهای مذهبی و تروریستی و تجاوزگر نه بگویند وجود ندارد. حزب کمونیست کارگری عراق تنها حزب و جریان نماینده انسانیت و حقوق انسانها در عراق است. تا به داخل عراق برمیگردد، تنها راه خلاصی مردم از جهنمی که آمریکا و نیروهای سیاه قومی و مذهبی ایجاد کرده اند، حلقه زدن دور حزب کمونیست کارگری عراق است، و در مقابل این حزب باید با تمام قوا تلاش کند مردم ستمدیده عراق را متشکل و آماده کند. بهر درجه ای که حزب کمونیست کارگری عراق قدرتمند شود، امید به رهائی مردم از سناریو سیاه کنونی بیشتر خواهد شد. این حزب همچنین باید تلاش کند تا حمایت جهان متمدن برای خلاصی هرچه بی درد تر و سریعتر جامعه عراق را جلب کند. برای پایان لوز ترژی در عراق بپید بسپیح شد. *

دفتر مرکزی حزب
Tel: 0044-779-1130-707
Fax: 0044-870-135-1338
Email: markazi@ukonline.co.uk

رادیو انترناسیونال
۱۳۸۰۰ کیلوهرتز
هر شب ساعت ۹ به وقت تهران

توجه

خوانندگان گرامی: با پوزش، انترناسیونال سه شنبه ۱۳ مرداد منتشر نمیشود، شماره ۴۷ روز جمعه ۱۶ مرداد منتشر خواهد شد.

سیاسی و اجتماعی سرمایه داری و فدرالیسم نمیتوان بر تناقضات بنیادی آن فائق آمد. مگر اینکه جمهوریخواهان لائیک و فدرالیست تصمیم بگیرند که با باد زدن قوم پرستی و کینه ملی به نیروی سناریوی سیاه تبدیل شوند. آینده سیاسی ایران را تقابل دو جریان غربی متخاصم، تقابل دو راه حل

اخباری از اعتراضات کارگران و مردم زحمتکش

معلمان هر یکشنبه تحصن خواهند داشت



شهبلا دانشفر

در حاشیه رویدادها

دور انداختن حجاب در اعتراض به تذکر ماموران رژیم

شد. سرانجام مامورین انتظامی رژیم به کمک مامورین "دایره مبارزه با مفاسد اجتماعی و کلاتنتری بانوان" شتافتند و توانستند مردم را متفرق کنند و مرضیه را به جرم اخلاص در نظم عمومی و اهانت به مامورین دولتی دستگیر کرده و روانه زندان مرکزی مشهد کردند.

مرضیه را به زندان بردند اما او نمونه میلیونها زن و دختری است که مترصد فرصتند تا خود را از شر قوانین اسلامی و کل حکومت خلاص کنند. این نمونه ای از اعتراضات روزمره زنان به جمهوری اسلامی است. این نشاندهنده اینست که ارباب، حزب الله چرخانی، و بگیر و ببند رژیم نه تنها اثر ندارد و اعتراض مردم را مهار نمیکند، بلکه تعرض متقابل و تلاش برای شکستن این جو ارباب در دستور کار مردم قرار دارد. حرکت این زن جسور نمونه ای از ضعف رژیم و اعتماد به عکس العمل و حمایت مردم از اعتراض به رژیم است. اگر امروز بدور انداختن حجاب و اعتراض متقابل توسط این زن در یک موقعیت نابرابر در مقابل مزدوران رژیم صورت میگیرد و مورد حمایت مردم حاضر در محل قرار میگیرد، فردا در موقعیتی مناسبتر و در شرایطی که اتحاد و آمادگی مردم توازن قوا را علیه رژیم بیشتر عوض کند، این مزدوران حکومت خواهند بود که از ترس مردم باید خود را قایم کنند. باید به هر شکل ممکن به دستگیری مرضیه اعتراض کرد. او باید فوراً آزاد شود. باید هر حرکت سرکوبگران جمهوری اسلامی را در جهت ارباب جامعه با تعرض متقابل جواب داد و مامورین رژیم را گوشمالی داد. باید برای بزییر کشیدن حکومت جنایتکاران متحد و متشکل و آماده شد. به دور حزب کمونیست کارگری باید حلقه زد.

علیرغم ادامه تعرضات اخیر جمهوری اسلامی به جوانان و بویژه دختران جوان تحت عنوان مبارزه با بدحجابی در جهت ایجاد جو رعب و وحشت در جامعه، یک زن معترض در اعتراض به تذکر مامورین نهبی از منکر حجاب خود را در مقابل آنان دور انداخت. در حالیکه روز هشت مرداد مامورین کلاتنتری زنان در مشهد در محل چهارراه آزادشهر در حال گشت زنی بودند، "بدحجابی" چند زن جسور ارباب رژیم و قوانین اسلامی آنرا به تمسخر گرفت. "بدحجابی" این زنان بعنوان اعتراض به تعرضات و حرکات اوباشان رژیم تمام توجه ها را بخود جلب کرده بود. با دیدن این چند زن مامورین کلاتنتری به آنها تذکر دادند که حجابشان را رعایت کنند اما این تذکر با اعتراض فوری زنان در آنجا پاسخ گرفت. یکی از زنان به نام مرضیه بهمراه خواهرش محبوبه که بنا به گزارش روزنامه خراسان "با مانتویی بسیار کوتاه و تنگ و آرایش غلیظ و ناخن های بلند و لاک زده و با روسری کوچک و بدون جوراب و زنجیری زینتی بر پا" به خیابان آمده بودند به مامورین رژیم معترض شد و در همانجا حجاب خود را دور انداخت و مردم را به کمک فراخواند. مردم زیادی دور آنها جمع شدند. یکی از مامورین زن کلاتنتری سعی میکرد که مردم را آرام کند و حجاب مرضیه را بسرش بگذارد اما مرضیه به مامور کلاتنتری زن اعتراض کرد و به او حمله برد و مقنعه و حجاب او را از سرش کشید و آنرا نیز به وسط خیابان پرت کرد. این اقدام با استقبال مردم حاضر در محل رویرو

۱۳ سال سابقه کار داشتند از کار بیکار شدند. کارگران خواهان شغل هستند و می خواهند که سرنوشت شغلی آنها روشن شود. کارگران این شرکت بعلاوه خواستار پرداخت حقوق و مزایایی هستند که کارفرما در طول اینمدت از پرداخت آنها سرباز زده است.

صنایع الکتریک دماوند- در اواخر تیرماه گذشته کارگران این شرکت با ارسال طوماری به اداره کار شرق تهران خواستار رسیدگی به مطالبات خود شدند. کارگران خواهان اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و همچنین پرداخت جوهی هستند که از طریق اجرای این طرح عاید کارگران می شود. طبق قانون کار جمهوری اسلامی، دریافتی و دستمزد کارگران به بخشهای مختلفی تقسیم شده است و برای گرفتن هر تکه از این دستمزد باید تلاش زیادی کرد. اضافه درآمدی که از قبل اجرای طبقه بندی مشاغل نصیب کارگران می شود حق مسلم کارگران و بخشی از دستمزد آنها است؛ اما لازم است که همه مبارزات پراکنده حول بخشهای مختلف دستمزد به مبارزه اصلی برای افزایش دستمزد پایه کارگران به نحوی که نیازهای یک خانواده کارگری را با استاندارد بالا تامین کند، ارتقا یابد.

منطقه حصارک کرج - بنا به یک خبر منتشر شده، طی روزهای اخیر مردم زحمتکش حصارک کرج در دفاع از سرپنانه خود با مامورین حکومتی درگیر شدند. مامورین شهرداری در حمایت نیروهای سرکوبگر رژیم قصد داشتند که خانه و سرپنانه آنها را خراب کنند. اهالی زحمتکش حصارک کرج با چنگ و دندان به دفاع از خانه و کاشانه خود پرداختند. بنا به خبر نیروهای انتظامی رژیم اقدام به تیراندازی هوایی کردند و مردم معترض را مورد یورش قرار دادند. گفته می شود که قوای سرکوبگر رژیم حداقل شش نفر از مردم معترض را دستگیر کرده و با خود برده اند. *

کاشان- روز ۵ مردادماه شماری از کارگران کارخانجات کاشان در مقابل ساختمان تامین اجتماعی این شهر تجمع کردند. این دومین بار طی حدود ۱۰ روز بود که کارگران دست به چنین اقدامی زدند. کارگران به طرحی اعتراض دارند که شغل آنها را در شمول کارهای سخت و زیان آور به حساب نمی آورد. در جریان اجتماع روز ۵ مرداد، کارگران که تعدادشان به ۱۰۰ نفر می رسید رئیس شعبه تامین اجتماعی کاشان را مورد بازخواست قرار دادند ولی او از خود رفع مسئولیت کرد. کارگران بر خواست شان پافشاری کردند و رئیس تامین اجتماعی قول داد که خواستهای آنها را پیگیری خواهد کرد. کارگران اعلام کرده اند تا زمانی که خواست آنان جواب نگیرد به اجتماع و اعتراض خود ادامه خواهند داد.

کارخانه صندوق نسوز خرم- روز ۷ مردادماه کارگران نسوز خرم در اعتراض به مدیر کارخانه دست از کار کشیدند و در مقابل محل دفتر مرکزی این شرکت تجمع کردند. خواستهای کارگران از جمله شامل پرداخت ۳ ماه حقوق معوقه کارگران است. کارگران همچنین به مدیریت اعتراض دارند که حق بیمه کارگران به سازمان تامین اجتماعی را پرداخت نکرده است و دفترچه درمان تامین اجتماعی آنها تمهید نشده است. نپرداختن حق ماموریت کارگران، نپرداختن وام قرض الحسنه ای که از پول خود کارگران فراهم شده، قطع سرویس ایاب و ذهاب و شرایط ناامن کار از دیگر موارد اعتراض کارگران است.

ریسندگی چل در مازندران- روز ۴ مردادماه کارگران این شرکت با تجمع در مقابل اداره کل کار استان مازندران، علیه بیکاری و برای مطالبات بتعویق افتاده خود دست به اعتراض زدند. بنا به اخبار منتشر شده کارخانه ریسندگی چل ۸ ماه پیش تعطیل شد و ۱۵۰ کارگر شاغل در این کارخانه که تا

تجمعات پی در پی معلمان در اعتراض به دو همکار دستگیر شده خود در هفته گذشته ادامه داشت. معلمان خواهان آزادی فوری محمود بهشتی لنگرودی و علی اصغر ذاتی دو نفر از مسئولین کانون صنفی معلمان شدند. معلمان اعلام کردند که تا وقتی این دو نفر از زندان آزاد نشوند به تجمعات اعتراضی خود ادامه خواهند داد. در همین هفته نیز شاهد تجمعات معلمان حق التدریسی برای استخدام رسمی خود در آموزش و پرورش بودیم. معلمان حق التدریسی از سراسر ایران با تجمعات متوالی خود در مقابل وزارت آموزش و پرورش بر خواست خود پای فشرده و اعلام کردند که به این تجمعات ادامه خواهند داد. این معلمان در ملایر نیز در همین رابطه تجمع اعتراضی برپا کردند. معلمان حق التدریسی در همان شرایط دشواری که معلمان دیگر کار میکنند در مدارس تدریس میکنند، با حقوقی پایینتر، محروم از هرگونه حق و حقوقی، و همواره خطر بیکار شدن آنها را تهدید میکنند. خواست استخدام رسمی معلمان حق التدریسی یک بند قطعنامه معلمان در اعتراضات چند ساله اخیر بوده است. هم اکنون جنب و جوش اعتراض در میان معلمان بالاست، و خواست آزادی معلمان دستگیر شده از زندان یکی از مسائل مهم امروز معلمان است. طبق گزارشات در همین هفته مسئول کانون صنفی همدان نیز توسط جمهوری اسلامی بازداشت شد. این دستگیری ها به اعتراض معلمان بیش از پیش دامن زد و معلمان اعلام کرده اند که تا آزاد شدن همکارانشان از زندان هر یکشنبه در مقابل آموزش و پرورش تهران جمع خواهند شد. این بار نیز معلمان شکلی از اعتراض و مبارزه مداوم و پیوسته را در مقابل خود گذاشته اند. باید با تمام قوا از خواست اعتراضی معلمان و آزادی معلمان دستگیر شده حمایت کرد. باید با دادن قطعنامه های حمایتی خواستار آزادی فوری معلمان زندانی شد. *

**مرگ بر جمهوری اسلامی!
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!**